

بسمه تعالی

عزیزان

سلام علیکم؛

آنچه از آمار مستخرجه پیوست مشهود است:

(۱) - تولید داخلی، صادرات و واردات و مصرف ظاهری محصولات فولادی، حاکی از توانائی تأمین نیازهای داخلی و صادرات مقادیر قابل اعتنای فولاد میانی (اسلب، بیلت و بلوم)، میلگرد، ورق و سایر محصولات فولادی است.

(۲) - بهای فروش کارخانجات تولیدی بر مبنای بهای صادراتی و تعسیر ارز ۲۳۵۰۰۰ ریالی و بیشتر است.

(۳) - از آنجا که سنگ معدن، انرژی برق و گاز و هزینه پرسنلی در تولید که بخش عمده قیمت تمام شده را تشکیل می دهند عمدتاً یارانه ای؛ ولی فروش به قیمت C&F تولیدات خارجی است.

طبعاً حداقل انتظار مصرف کنندگان داخلی که در نهایت مردم هستند، تأمین نیاز بدون دغدغه و خرید حداقل به قیمت درب کارخانه است.

(۴) - نظام اطلاعاتی کامل بخش تولید اعم از حقیقی و حقوقی؛ فعال و غیرفعال در سامانه جامع وزارت محترم صمت نیز ثبت و ضبط است و نیاز هر واحد تولیدی هم براساس تولیدات ثبت شده در سامانه و هم برنامه سالیانه معلوم است.

لذا توزیع و تأمین نیاز بخش تولید را با تهیه یک برنامه برای سامانه از صفر تا صد می تواند بصورت اتوماتیک از طریق کارخانجات به محل تولید ارسال و بده بستان های مالی هم قبلاً از طریق سامانه صورت پذیرد و هرماه یا هر ۱۵ روزه این نیاز به انبار کارخانجات شارژ شود.

(۵) - در پایان هر سال حسابرس رسمی شرکت و تیم نظارتی وزارتخانه می توانند نیازها و کمبودها و برنامه آینده آن تولیدرا بررسی و برنامه تدوین سامانه را اصلاح نمایند.

۶- از آنجا که بهای فروش کارخانجات تولید فولاد، بهای ترجیحی نیست بنابراین منفعتی برای دلالت و واسطه ها و غیره ندارد به شرطی که موارد فوق اجرا شود و قیمت ها به غیر سپرده نشود و با تأمین نکردن نیاز بخش تولید موجبات تحریک بازار غیر رسمی را فراهم نکنند.

۷- امروز وضعیتی در بازار خرید و فروش با توجه به مشکلات نرخ تورم و ارزش پول فراهم شده که خرید و فروش بصورت نقدی عرف شده و به این ترتیب دلیلی وجود ندارد که عرضه از تولید به مصرف به بازارگردانان واگذار و هر کدام بهای مصرف کننده را متورم نمایند.

در خاتمه بدلیل ضعف و بی برنامه‌گی و بیماری نظام توزیع در کشور؛ آثار تخریبی آن در بازار نهاده ها، کالای اساسی، مواد اولیه وارداتی و داخلی و محصولات پتروشیمی و فولاد و غیره کاملاً مشهود و بخش عظیمی از انرژی تولیدکنندگان را مصروف تأمین نیاز کرده است. درحالیکه در قبل از انقلاب و ۲ دهه اول انقلاب صنوف و تعاونی های تخصصی همه نیازها را بطور معقول و با کمترین سود و با قیمت عادلانه تأمین و چون برای تأمین سرمایه نیاز به استفاده از تسهیلات بانکی نداشتند، قیمت های فروش آنها حداقل به میزان بهره تسهیلات ارزانتتر به دست مصرف کننده می رسید.

در هر حال تا زمانی که زاویه دیدگاههای اقتصادی کشور اصلاح نگردد، قطعاً اقتصاد مردمی نخواهد شد و توسعه عدالت هم امکان پذیر نیست و بینش موجود فقط در دایره تفکر جزیره ای محدود می شود. این شیوه تفکر است که شما آرامش در بازار عرضه و تقاضا نمی بینید و ۲۵ سال است که این بیماری همه را نگران و ناآرام و گران خریدی عرف شده است.

در بعد کلان این بخش شما شاهد صادرات میلیون ها تن کنسانتره به ثمن ناچیز هستید که ارز حاصله همه صرف واردات کالای مصرفی و واسطه ای می شود و نمی تواند جایگزین سرمایه ازدست رفته شود باینکه می دانند که سنگ معدن نه فاسدشدنی است و نه سرقت شدنی و نه میدان مشترک است و در آینده هم به این ماده اولیه نیازمندیم.

جالب است که تبدیل کنسانتره به شمش بیش از ۵۰۰ درصد ارزش افزوده بعلاوه اشتغال را می تواند برای اقتصاد کشور به ارمغان آورد و کارخانجات فولاد هم از محل سودهای کلان این تولید می توانند با توسعه تولید، این ارزش افزوده را برای اقتصاد کشور ایجاد نمایند و با ارتقاء زنجیره تولید ارزش افزوده و اشتغال بیشتری را فراهم نمایند و صادرات بیش از ۱۲ میلیون تن بیلت و بلوم و اسلب و فولاد را به مقاطع فولادی با ارزش تر تبدیل کنند.

همین تفکر جزیره ای در تولید فولاد و تأمین داخلی به دلیل تعارض منافع سالهاست افزایش قیمت تمام شده را در محصولات پائین دست متوجه مردم کرده است. امید است که دستگاههای متولی در زمانی که همه کارها دیجیتالی و از طریق استارت آپ ها رفع و رجوع می شود از این امکانات استفاده و چرخه توزیع را به نفع تولیدکننده اصلاح نماید.

محمد عیدیان